

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صص ۲۴۵-۲۷۶

تبیین جایگاه و نقش دعا در جنگ نرم با رویکرد معناشناسی واژه «دعا» در قرآن کریم

نوع مقاله: ترویجی

سید ابوالقاسم فضایی^۱، هادی زینی ملک آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده

جنگ نرم، امروزه از مؤثرترین، کارآمدترین و پیچیدهترین نوع تهدید بر ضد امنیت ملی یک کشور است. عناصر مختلفی در مقابله با جنگ نرم مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما نقش دعا، به عنوان اسلحه مؤمن، با وجود کارآمدی از منظر قرآن و روایات مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر دانش معناشناسی به تبیین جایگاه و نقش دعا در جنگ نرم پرداخته است. معناشناسی دعا در قرآن کریم و اعتبار سنجی آن با مفاهیم و ادبیات رایج در جنگ نرم نشان داد دعا در حقیقت یک ابزار قدرتمند در جنگ نرم است و سیره انبیاء و امامان معصوم مورد توجه قرار گرفته و نمونه بارز آن در صحیفه سجاده تبلور یافته است.

واژه گان کلیدی: جنگ نرم، معناشناسی، دعا، قرآن.

۱- کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

safazaeli@ut.ac.ir

۲- عضو هیئت علمی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

مقدمه

تهدید نرم، امروزه از مؤثرترین و کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و درعین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید بر ضد امنیت ملی یک کشور است که با کمترین هزینه و بدون لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی، عواطف و احساسات، فکر و اندیشه، باور و ارزش‌ها و آرمان‌ها و فرهنگ یک ملت و نظام سیاسی را مورد هجوم قرار می‌دهد. ابعاد جنگ نرم، گسترده و مخرب است؛ زیرا فکر و آرمان و الگوهای رفتاری یک ملت را تحت تأثیر و هدف قرار می‌دهد. در جنگ نرم دشمن به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها و بایدها و ارکان اساسی یک نظام و کشور می‌آید که این‌ها را منهدم نماید و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل نماید. پس هدف از به راه انداختن جنگ نرم، رسوخ در باورها و اعتقادهای جامعه و جایگزین نمودن فرهنگ و باورهای موردنظر خویش است.

نگرانی‌های حاصل از تخلف‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌ها، اعصاب انسان عصر ما را در زیر بار سنگین اضطراب و نگرانی قرار داده است؛ لذا برای برون‌رفت از چالش‌های متعدد مادی و معنوی در جوامع بشری اصل دعاء بسیار مؤثر است (مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۶)

بدون تردید جلوه‌های ایمان به خدا در زندگی روزمره انسان به صور مختلف، نمود پیدا می‌کند. دعاء و نیایش، تسلیم در برابر قضا و قدر الهی، یاد مرگ، زهدورزی، توکل، انتظار و ... هر کدام، گونه‌ای از تجلی ایمان به خدا در زندگی ما هستند. گرچه ما ایمان به خدا را در کنار مواردی که برشمردیم، قرار داده‌ایم، لکن توجه بدین نکته ضروری است که ایمان به خدا «اصلی» است که شاخه‌های متعددی دارد و موارد فوق نیز از آن جمله‌اند. هدف معاشناسی، روشمند کردن مطالعه، بررسی متون و کلام است. اعضای یک حوزه معنایی

یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهد که در رابطه متقابل با یکدیگرند. چنین واحدهایی به دلیل ویژگی مشترکشان هم حوزه به شمار می‌آیند. در این پژوهش، معناشناسی واژه دعاء در قرآن کریم مدنظر است.

جایگاه دعاء در ادیان مختلف به‌خصوص در دین مبین اسلام و مذهب تشیع بر کسی پوشیده نیست و کلمه دعاء و مشتقاتش هم حدوداً بیش از ۲۰۰ بار در آیات قرآن کریم بکار رفته است. از این رو همگان در پی دریافت‌های تازه از این عمل مهم اسلامی‌اند. روش این پژوهش تحلیلی - توصیفی است که به تحلیل و توصیف مطالب گردآوری شده به‌صورت کتابخانه‌ای می‌پردازد. این پژوهش قصد دارد با رویکردی معناشناختی به تبیین جایگاه و نقش دعا در جنگ نرم بپردازد. مفهوم دعاء و استخراج مؤلفه‌های معنایی آن از قرآن بپردازد. از دیدگاه معناشناسی، کلام مجموعه‌ای منسجم است و معناشناسی بررسی این انسجام را در کلام بر عهده دارد.

سؤالات پژوهش

مهم‌ترین سؤالات پژوهش این است که:

- با توجه به هم‌نشین‌ها و جانشین‌ها، مؤلفه‌های معنایی واژه دعاء و مشتقات دعاء در قرآن چیست؟
- بر اساس معناشناسی دعا تأثیر آن در قدرت نرم چیست؟

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات معناشناسی به زبان فارسی تحقیقات فراوانی انجام شده است. در مورد واژه مورد بحث یعنی دعا نیز پژوهشهایی صورت گرفته است از جمله: سالارزایی (۱۳۹۱) به بررسی دعاء از منظر کلام خدا پرداخته است. بهشتی و قریب (۱۳۹۰) نقش دعاء در

تریت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین را تحلیل کردند. محسن پور و حسینی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر دعاء و نیایش در زندگی انسان از نظر آیات و روایات پرداخته‌اند. بنابراین در هیچ کدام از پژوهش‌ها، معناسازی دعا از منظر قرآن و نقش آن به‌عنوان مؤلفه جنگ نرم مورد توجه قرار نگرفته است.

مبانی نظری پژوهش

قدرت نرم

نزاع قدرت‌ها در طول تاریخ شکل‌های مختلفی داشته است، توانایی دو گروهی که با یکدیگر به رقابت قدرت می‌پردازند شکل‌های مختلفی دارد؛ در تأثیرگذاری دو حریف الف و ب، چنانچه تأثیرگذاری الف بر ب در حالت فقدان ستیز منافع صورت گیرد و از طریق تشویق، ترغیب و... تحقق یابد، «نفوذ» نامیده می‌شود و الف را برخوردار از وضعی می‌سازد که «اقتدا» نامیده می‌شود؛ اما آنگاه که تأثیرگذاری الف بر ب در حالت ستیز منافع صورت گیرد و از طریق اجبار و زور تحقق یابد؛ قدرت نامیده می‌شود. از این نوع قدرت اگر ناظر بر منازعات و تخصم‌ها باشد، به «قدرت سخت» تعبیر می‌شود و نوع نخست «قدرت نرم» نامیده می‌شود. مرز مفهومی نفوذ و قدرت نرم در این نکته است که نفوذ می‌تواند بر قدرت سخت مبتنی باشد (nye, 2004, 5)؛ بنابراین قدرت نرم صرفاً توانایی انجام کار یا توانایی کسب نتیجه دلخواه نیست، بلکه عبارت از توانایی شکل یا تغییر دادن ترجیحات یا اولویت‌های دیگران است تا بر اساس آنچه ما می‌خواهیم فکر یا رفتار کنند (ره پیک، ۱۳۸۷: ۴۴).

در تعریفی بومی‌سازی شده قدرت نرم به توانایی تصرف در پدیده‌های هستی و هماهنگ کردن آن‌ها با خود، شکل دادن یا تغییر ترجیحات یا اولویت‌های دیگران در

چارچوب سنت‌ها و ضوابط حاکم بر نظام هستی برای رشد و کمال خود و دیگران در جهت قرب الهی اطلاق می‌شود (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی ۹۴/۶/۴)

معناشناسی

آنچه در معناشناسی، معنا نامیده می‌شود، مصداقی است که در جهان خارج وجود دارد و یا مفهومی است که برحسب مصداق‌ها، به صورت نوعی تصور در ذهن سخن‌گویان زبان انباشته شده است (صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ۲۰). نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنا دار می‌دانند که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن ابعاد یا سطوح گوناگون برای متن است (شعیری، ۱۳۸۸، ص ۵۲). معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند و به مطالعه و بررسی تمام وقایعی که در ژرف‌ساخت نشانه‌های فهم معنا و یا در بین آن‌ها وجود دارد می‌پردازد؛ بنابراین تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است. به زبان دیگر، معناشناسی مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد (صفوی، ۱۳۷۸: ۴۰). معناشناسی مطالعه انتقال معنا از طریق زبان و مستقل از گوینده و شنونده است (صفوی، ۱۳۷۸: ۳۵ و ۴۲).

جنگ نرم در قرآن و روایات

جنگ نرم در شرایطی به وجود می‌آید که قدرت نرمی وجود داشته باشد و دارندگان قدرت نرم می‌توانند از تاکتیک‌ها و فرصت‌های جنگ نرم استفاده کنند (عرفان، ۱۳۹۶: ۱۱۱). قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از طریق جذب به‌جای اجبار به دست آوریم (مهری، ۱۳۹۸: ۴۲)

از ویژگی‌های جنگ نرم می‌توان به این امور اشاره کرد: جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی است؛ این نبرد آرام و تدریجی و زیرسطحی است؛ جنگ نرم به شدت نماد ساز است؛ به لحاظ اثرگذاری در طول زمان، پایدار و بادوام است؛ در فضای جامعه هیجان‌های کاذب ایجاد می‌کند و جنگ نرم آسیب محور است و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند (ادبی، ۱۳۹۱: ۴۴) و باهدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها، نقش مهمی در سست کردن بنیان‌های فکری و فرهنگی جوامع دارد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵).

در سیره معصومان پیوسته دعا یکی از ارکان مهم بوده است، اما در حیات امام سجاد (ع) به سبب اوج خفقان، امام سجاد (ع) با بینشی شگرف و با درک درست زمان، سلاح دعا و مناجات را برای افشاگری تباهی‌های حکومت وقت و روشن‌گری افکار عمومی، نسبت به حقایق دینی و اسلامی برگزیدند؛ چراکه این شیوه پر نفوذ، توجه و حساسیت، عمال اموی را کمتر برمی‌انگیخت. امام در قالب دعا، افزون بر نشر فرهنگ انسان‌ساز اسلام، غاصبانه و نامشروع بودن حکومت بنی امیه و بدعت‌ها و جنایت‌های آن‌ها را نیز برای مردم تبیین می‌کردند. دعا علاوه بر اینکه موجب جلب رضایت خداوند می‌شود، ابزاری برای انسان در مواجهه با چالش‌های زندگی و مقابله با دشمنی شیاطین به حساب می‌آید. پیامبر (ص) با توجه به نقش دعا به عنوان ابزاری در دستان مؤمنان فرمود: *الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* (کلینی، ج ۲، ۴۶۸)؛ دعا سلاح مؤمن است».

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به اینکه دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالش‌های زندگی را می‌دهد، فرمود هر کس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می‌شود و

چالش‌هایی پیدا می‌کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده است به سلاح.

از نبی مکرم نقل شده است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يَدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ» (کلینی، ج ۲، ۴۶۸) آیا می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمنان نجات می‌دهد و هم روزی‌تان را فراوان می‌کند؟ گفتند آری، پیامبر (ص) فرمود شب و روز پروردگارتان را بخوانید چرا که دعا سلاح مومن است.

به عنوان نمونه امام سجاد (ع) در فراز: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ» (صحیفه سجادیه، ۱۶۶) به لطافت در قالب دعا و رابطه انسان با خداوند، مردم را به این موضوع مهم آگاه نمود که نگرستن به این که ظلمی در محضر خداوند اتفاق افتد مودر پسند الهی نیست و بنده واقعی باید در مقابل ظلم و زورگویی بی تفاوت نباشد.

امام سجاد (ع) نخواست که خود را آلوده دستگاه غاصب نماید و به همین جهت راه مبارزه علیه دشمنان خود و پدرانیش را از طریقه ناگزیر دعا برگرفت و نشان داد زیر بار هیچ زورگویی نبوده و از تمامی تلاش خود در راه مبارزه با ظلم و استکبار و استبداد و روشن‌گری اسلام ناب و بیدار محمدی در قالب دعا بهره می‌گیرد تا بتواند اسلام بیدار را از منجلاب فساد دستگاه حاکم، سالم بیرون کشیده و به آیندگان هدیه داده و خود به‌عنوان الگویی جهت مبارزه به استکبار زمانه و آینده باشد و نشان دهد که می‌توان حتی از راه تقیه و دعا و ذکر به دشمنان زمانه و مستکبرین زمانه نیز پیروز گشت و نباید در راه این مبارزه از هیچ تلاشی فروگذار نمود و باید یاد و خاطره عاشورا را زنده نگه داشت و این امر مظهر لیبیک یا حسین است.

تبارشناسی قدرت نرم در جامعه اسلامی

واژه قدرت نرم در منابع و متون اسلامی استعمال نشده است؛ اما مفهوم آن را به‌وفور در قالب واژه‌هایی مثل تعالی معنوی، معنویات، لطایف و... می‌توان یافت. چنانچه در خصوص مفاهیمی چون سیاست این‌گونه بوده است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای قدرت نرم اسلام برای مردم شبه‌جزیره عربستان، برقراری جامعه‌ای امن بود که در آن مردم نسبت به جان، مال و ناموس خود احساس امنیت می‌کردند؛ درحالی‌که ویژگی اساسی دوران جاهلیت، حاکمیت هرج و مرج توأم با ناامنی شدید بوده است (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴-۷۳). این جامعه امن بیش از هر عامل دیگری محصول جاذبه معنویت اسلام و رهبری الهی آن بود.

در قرآن کریم نیز برخی کلیدواژه‌ها ناظر بر قدرت نرم است، مانند: تعالی معنوی (سوره حشر: ۶)، عزّت (سوره فاطر: ۱۱)، درجات (سوره یوسف: ۷۶)، رفعت (سوره مجادله: ۱۱)، صعود (سوره فاطر: ۱۱)، عروج (سوره نجم: ۹-۸)، فالج (سوره مجادله: ۲۲)، حیات طیّبه (سوره نحل: ۹۷) و قرب الا الله (سوره مریم: ۵۲)

معناشناسی واژه دعاء با رابطه هم‌نشینی

روابط هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله یا کلام مربوط است و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار می‌گیرند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. توجه به واحدهای هم‌نشین موضوع موردنظر، معنای آن را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند، به‌ویژه در مواردی که کلمه بیش از یک معنا دارد و یا معنای آن نامشخص و مبهم است (صفوی، ۱۳۷۸: ۴۵). رابطه هم‌نشینی یا «رابطه نحوی» رابطه‌ای از نوع ترکیب، میان الفاظی است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌برویش،

بِأَلِّمَلِئِكُهُ الْأَصْنَافَ دَقِينٍ	۷	حجر	۱۵.
بِأَلِّحَقِّ الْأَصْنَافِ دُفُونٍ	۶۴	حجر	۱۶.
عَبَدُوا اللَّهَ، أَلَّا يَكْتُوبَ، جَعَلَنِي نَبِيًّا	۳۰	مریم	۱۷.
رَأَى، أَمْ، كَتُوبَ أَفْءَانَسَ، تَمَنَّى، مَنْ هَا بِقَبَسٍ، أَجْدَعُ عَلَيَّ أَلْتَارُ هُدَى، نُوْدَى	۱۰	طه	۱۸.
فَقُولَا، فَأَرْسَلْنَا، لَأَنَّا نُعَذِّبُ هُمَ، قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ، أَلَسَلْنَا عَلَى مَنْ آتَيْنَا هُدًى	۴۷	طه	۱۹.
أَهَبَطْنَا مِنْ هَا جَمِيعًا، مَنَى هُدَى، آتَيْنَا هُدًى فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشَى قَفَى	۱۲۳	طه	۲۰.
مَنْ ذَكَرَ رِجْمًا مِنْ رَبِّهِمْ مَحْدَثًا، أَسْتَمَعُوهُ، مَلِيحًا عِبُونَ	۲	انبیاء	۲۱.
بِعَثَّةٍ، فَتَبَّ هَتْمُهُمْ، أَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا، يَنْظُرُونَ	۴۰	انبیاء	۲۲.
فَأَسْتَجِيبَنَّ لَهُ، فَكَشَفْنَا مَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ ضُرِّهِ، أَلَهُ وَمَثَلُهُمْ، رَحْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَ رِيحًا، لَلْعَالَمِينَ	۸۴	انبیاء	۲۳.
آتَيْنَاكَ أَلْحَقَّ، أَلَمْ نَكْفُرْ بِهَمْ، لَقَدْ نَسُوا أَلْمَسْمُوتَ وَأَلْأَرْضَ، بِذِكْرِهِمْ، ذَكَرَهُمْ مَعْرُوفُونَ	۷۱	مومنون	۲۴.
بِأَلِّحَقِّ لَكَ دُفُونٍ	۹۰	مومنون	۲۵.
عَلَّيْنَا، قَالَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ، فَضَلَّ عَلَيْنَا كَثِيرٌ مِنْ عِبَادِهِ أَلْمُؤْمِنِينَ	۱۵	نمل	۲۶.
جَعَلْنَا اللَّهُ، بِضِيَاءٍ، بَلَى لَيْلٍ تَسْكُنُ فِيهِ، نَسْمَعُونَ، تَبَصَّرُونَ	۷۱، ۷۲	قصص	۲۷.
أَنْزَلْنَا، أَلَّا يَكْتُوبَ، يُؤْمِنُونَ بِهِ، بِحَدِّ بَابِ تَنَابُوكَ، أَلَّا يَكْفُرُونَ	۴۷	عنكبوت	۲۸.
مَنْ رَسُولٍ، يَسْتَهْزِئُونَ	۳۰	یس	۲۹.
رُسُلُهُمْ، بِأَلْبَيِّنَاتٍ، فَكْفَرُوا، فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ، قَوِي شَدِيدًا أَلْعَقَابَ	۲۲	غافر	۳۰.
أَسْتَوَى، فَقَالَ، طَوَّعًا أَوْ كَرْهًا	۱۱	فصلت	۳۱.
رُسُلُهُمْ، بِأَلْبَيِّنَاتٍ، فَقَالُوا، يَا هَذَا نَبَانَا، فَكْفَرُوا، تَوَلَّوْا، وَأَسْتَفْتَى اللَّهُ، اللَّهُ عَنِّي حَمِيدٌ	۶	تغابن	۳۲.

فعل آتی تنها به صورت فعلی و به تعداد ۱۴ مرتبه در کنار فعل دعاء آمده است. اکثر قریب به اتفاق آیات، خطابی و پیرامون مسئله پرستش است. همراهی فعل آتی با فعل دعاء به صورت تقدیم و تأخیر جالب توجه است. به این صورت که هر اتیان الهی، دعوتی و هر دعوت غیر الهی، اتیانی به دنبال دارد. حضور ریشه‌ها و تعبیری از قبیل رویت، اطمینان،

صادق، ایمان، استطاعت، عبادت، شرک، خالقیت، علم، ظلم و رسول در کنار دعو و آتی، نشان دهنده دعوت به بینش و تعقل مستدل در پذیرش دعوت است. اتیان در حوزه‌های مختلف در این آیات به کار برده شده است: اتیان سوره، اتیان طیر، اتیان عذاب، اتیان ساعه، اتیان کتاب، اتیان هدایت، اتیان سلطان، اتیان علم، اتیان رسول و اتیان اجر

قَالَتْ رَسُولُهُمْ أَفَى اللَّهِ شَكَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (سوره ابراهیم، ۱۰)

همنشین های واژه آتی شامل، هدی، قال، امن، تبع می باشند.

۲.۲. سمع

همنشین	آیه	سوره	مکی/مدنی	ردیف
خُذُوا،ءَاتَى،نَ،كَمْ،قَالُوا،عَصَى،نَا أَشْرَبُوا،بَكَفَّ،رَهْمَ،يَا،مُرْكُم،إِيمَانُكُمْ	۹۳	بقره	مدنی	
ءَامِنُوا،قُولُوا،لَلَّ،كَ،فَرِينَ،عَذَابُ	۱۰۴	بقره	مدنی	
ءَامِنَ،الرَّسُولُ،أَنْزَلَ،قَالُوا،أَطَعْنَا،عَفْرَانِكَ	۲۸۵	بقره	مدنی	
قَوْلَ،سَنَكَّ،تُبُّ،حَقِّ	۱۸۱	آل عمران	مدنی	
لُتْبَ،لُونُ،أَوْتُوا،أَشْرَكَوْ،تَصْرَبُوا،تَتَّقُوا	۱۸۶	آل عمران	مدنی	
يَنَادِي،لَلَّ،إِيمَانُ،فَأَغْفِرَ،كَفَرًا	۱۹۳	آل عمران	مدنی	
يَقُولُونَ،عَصَى،نَا،أَطَعْنَا،أَنْظُرْنَا،أَتَى،رَوْمَ،يَوْمَئِذٍ	۴۶	نساء	مدنی	
نَزَلَ،ءَاتَى،تَ،يَكْفُرُ،بِسْمِ،رَبِّهِ،تَقْدَعُوا،أَلْمُنَافِقِينَ،أَلَّ كَفَرِينَ	۱۴۰	نساء	مدنی	
أَنْزَلَ،الرَّسُولَ،تَرَى،عَرَفُوا أَلَّحَقِّ،يَقُولُونَ،فَأَكْتَبْنَا،أَلْمُنَافِقِينَ	۸۳	مائده	مدنی	

یسَّ تَجِيبُ، يَبَّعْتُهُمْ	۳۶	انعام	مکی
قُلْ، أَرَأَيْتُمْ، أَخَذَ، أَبَّصَّ، رَكْمًا، خَتَمَ عَلَيَّ	۴۶	انعام	مکی
يَهْدِنَا، نَطَّيْعُ، قُلُوبِهِمْ	۱۰۰	اعراف	مکی
قُلُوبَ كَا يَفْقَهُونَ، أَعْيَنَ كَا يَبْصُرُونَ، أَدَانَ كَا يَسْمَعُونَ، كَالْأَنْعَامِ، أَضْلَى، أَلْعَلُّونَ	۱۷۹	اعراف	مکی
عَلِمَ، تَوَلَّوْا، مَعَ رِضْوَانٍ	۲۳	انفال	مدنی
جَعَلَ، لَيْسَ، كُنُوزًا، مَبْصُرًا	۶۷	یونس	مکی
مُعْجِزِينَ، أَوْلِيَاءَ، يَضُرُّعَفُ، يَسْتَطِيعُونَ، يَبْصُرُونَ	۲۰	هود	مکی
أَنْزَلَ، فَأَحْيَا	۶۵	نحل	مکی
تَعْلَمُونَ، جَعَلَ، أَلَّابِصَّرًا، أَلَّافًا، كُرُونًا	۷۸	نحل	مکی
قُلْ، أَعْلَمُ، أَبْصَرَ، وَكَلِمًا يَشْرِكُ	۲۶	کهف	مکی
قَالَ، تَعْبُدُونَ، يَبْصُرُ، يَغْنِي	۴۲	مریم	مکی
لَعْنًا، وَسَلَّامًا، رَزَقَهُمْ	۶۲	مریم	مکی
نَحْسُ، رَكَّزًا	۹۸	مریم	مکی
يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ، خَشَعَتِ، أَلَّأَصْوَاتُهُمْ، سَا	۱۰۸	طه	مکی
بِهِدَى، أَلَّعْمَى، عَنِ ضَلَّاتِهِمْ، يُؤْمِنُ، مُسْلِمُونَ	۸۱	نمل	مکی
لَأَيُّتٍ	۲۳	روم	مکی
تُبَلِّغُنَا، أَيْ، تَنْتَابُنَا، وَكَلِمًا، تُنَكِّبُنَا، أَدْنَى، هُوَ	۷	لقمان	مکی
فَأَعْرَضَ	۴	فصلت	مکی
قَالَ، كَفَرُوا، أَلَّغَوَّابًا، تَغْلِبُونَ	۲۶	فصلت	مکی
أَفْرَأَيْتَ، أَنْتَ، أَضْلَعُ، عَلَّمًا، قَلْبَهُ، جَعَلَ بَصْرَهُ	۲۳	جاثیه	مکی
عَشْرًا، وَهَدِيَهُ، تَذَكَّرُونَ	۱	مجادله	مدنی
فَوَلِّ، تُحِ، دَلِكُ، تَنْكِي، تَحَاوُرُ كَمَا، بَصِيرٌ			

واژه سمع در دوازده آیه با واژه دعاء هم نشین شده است که از این میزان، اکثریت آن را حالت اسمی واژه سمع در برمی گیرد. اضافه لفظی (سمیع الدعاء) نشان دهنده انس، الفت و ارتباط هر چه بیشتر واژه سمع و دعاء است. سمع واژه‌ای است که پس از دعاء که به معنای

ندا و درخواست است، می‌آید و انتظاری است که داعی از مدعو دارد. حضور واژه‌های ندا، صم و قال به دفعات در آیات مشترک سمع و دعاء دال بر همین موضوع است. وجود واژه‌های بصر، رأی، نظر و اجاب نیز به توجه مورد انتظار داعی از مدعو اشاره دارد. هم‌نشین‌های سمع شامل قول، علم، امن، بصر، هدی، آیه هستند.

۳- جواب

ردیف	مکی/مدنی	سوره	آیه	هم‌نشین
۱	مدنی	آل عمرا ن	۱۷۲	الرَّسُولُ أَصَابَهُمُ، أَحَ سَنَوْنَا، أَتَقَوْنَا
۲	مدنی	آل عمران	۱۹۴ -	ءَاتَانَا وَعَدْتَنَا، تُخَ زَنَا، يَوْمَ، أَلِ قِيَامَةَ، تُخَ لَفَ، أَصِيعُ، عَمَلٌ، سَبِيلِي، لَأَكْفُرَنَّ، لَأَدَّخَلْنَهُمْ
۳	مدنی	مائده	۱۰۹	يَوْمَ، يَجِيعُ، أَرْسَلُ، فَيَقُولُ، عَلِمَ
۴	مدنی	انفال	۹	تَسْتَعِينُونَ، مَمْدُكُمْ، مَرَدِّينَ
۵	مکی	هود	۱۴	فَاعْلَمُوا، أَنْزَلَ، بَعَلَ، إِلَهُ، مُسْلِمُونَ
۶	مکی	هود	۶۱	قَالَ، أَعْبُدُوا، إِلَهُ، أَنْشَأَكُمْ، أَسْتَعْمِرَكُمْ، فَاسْتَعْفِرُوا، فَرُوهُ، تُؤْبُوا، آءَ رِيبَ
۷	مکی	یوسف	۳۴	صَرَافَ، كِي دَهْنًا، أَلْسَمِعُ، أَلْعَلِيمُ
۸	مدنی	رعد	۱۸	أَلْحَسَنِي، أَلْأَرْضِ، أَلْفَتَدْوَا
۹	مکی	انبیاء	۷۶	نَادَى، فَتَنَجِي، نُهُ، أَلْكَرَبِ
۱۰	مکی	انبیاء	-۸۳ ۸۴	نَادَى، مَسْنَى، الْفَضْرُ، أَرْحَمَ، فَكَشَفْنَا، آتَى، نُهُ، ذَكَرَى، لَلْعَبْدِينَ
۱۱	مکی	انبیاء	-۸۷ ۸۸	تَقْدَرُ، فَتَادَى، الظُّلْمَاتِ، إِلَهُ، سَبَّحَ، نَكَ
۱۲	مکی	انبیاء	-۸۹ ۹۰	نَادَى، تَدَرَّي، وَهَبْنَا، أَسْلَحْنَا، يَسْرَعُونَ، أَلْحَيَّرَاتِ، يَدْعُونَ، خَشَعِينَ
۱۳	مکی	قصص	-۴۹	قُلْ، فَأَتَوْنَا، آهَدَى، أَتَّبِعْ، الظُّلْمِينَ

	۵۰			
يَنَادِيهِمْ ۞ يَقُولُ، أَلَمْ يَرَوْا سَلِينًا	۶۵	قصص	مکی	۱۴
نَادَىٰ نَا	۷۵	صافات	مکی	۱۵
يَحَا۟جُونَ، حُجَّتُهُمْ ۞، عَذَاب	۱۶	شوری	مکی	۱۶
ءَامِنُوا، عَمَلُوا، أَلَمْ يَرَوْا سَلِينًا، يَزِيدُهُمْ، أَلَمْ يَرَوْا سَلِينًا، عَذَاب	۲۶	شوری	مکی	۱۷
أَقَامُوا الصَّلَاةَ، أَمْ يَرَوْهُمْ ۞، رَزَقْنَاهُمْ ۞، يَنْفِقُونَ	۳۸	شوری	مکی	۱۸
يَا۟تِي، يَوْمَ، مَرَدَّةً، مَلَّ جَابِ، نَكِيرٍ	۴۷	شوری	مکی	۱۹

همراهی دو ریشه خوب و دعو ۱۶ بار در قرآن تکرار شده است. بدین صورت که خوب به دنبال دعو آمده عمل مدعو در مقابل دعای داعی است. خداوند نیز با اسم خاص خود (الله) بیشتر در این آیان مورد خطاب قرار گرفته است. تکرار واژه یوم به معنای قیامت در کنار عبد، ایمان، شرک، کفر، ضلال و عذاب نشان از آن دارد که اجابت به معنای واقعی در روز قیامت است و آن هم مخصوص مومنان است که با عبادت حاصل می‌گردد و چیزی از آن نصیب مشرکین، کفار و گمراهان نمی‌گردد و استجابیشان عذابی دردناک است. واژه قول نیز که مطابقت کمی با دعاء دارد، بیشتر در معنای منفی به کار برده شده و در این آیات بسیار تکرار شده است. هم‌نشین های خوب شامل ندی، علم، آتی، قول، عمل هستند.

۳- ایمان

هم‌نشین	آیه	سوره	مکی/مدنی	ردیف
فَعِيَ ۞ لَمُونَ، أَلَمْ يَرَوْا، بَضِلُّ، بِهِ ۞ دِي، أَلَمْ يَرَوْا سَقِينًا	۲۶	بقره	مدنی	۱
أَلَمْ يَرَوْا ۞ مَ ۞ أَلَمْ يَرَوْا، خَرَّ، عَمَلٌ صَ ۞ لِحَا، خَوْفٌ، يَحُ ۞ زَنُونَ	۶۲	بقره	مدنی	۲
قِيلَ، أَنْزَلَ، يَكُ ۞ فَرُونَ، أَلَمْ يَرَوْا حَقًّا مُصَدَّقًا	۹۱	بقره	مدنی	۳
تُرِيدُونَ، تَسُ ۞ ۞، يَتَّبِعُ، ضَلَّ سَوَاءَ ۞ السَّبِيلِ	۱۰۸	بقره	مدنی	۴
طَيِّبَاتٍ، أَشْرَكُوا، تَعَبُدُونَ	۱۷۲	بقره	مدنی	۵
أَوْ تُوهِ، هَدَى، أَخْتَلَفُوا، أَلَمْ يَرَوْا، يَشَاءُ، صِرَاطٍ ۞ مُسْتَقِيمٍ	۲۱۳	بقره	مدنی	۶
الرَّسُولُ، أَنْزَلَ، رُسُلَهُ، قَالُوا، سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، عَفَرَ، رَانَكَ	۲۸۵	بقره	مدنی	۷

۸	مدنی	آل عمران	۱۶	يَقُولُونَ، فَاعْرَفَ، فَمَا عَذَابَ النَّارِ
۹	مدنی	آل عمران	۶۸	اتَّبِعُوهُ، وَكَلِي
۱۰	مدنی	نساء	۶۰	تَرَاهُمْ يَنْزِلُونَ، أَنْزَلْنَا، يَتَخَفَتُونَ، وَأَمْرًا أَنْ يَكْفُرُوا، يَضْلَهُمْ
۱۱	مدنی	جمعه	۹	تُودَى، لِلصَّلَاةِ، فَاسْعَوْا، ذُرُوءًا، تَعْلَمُونَ

از مجموع سخنان لغویان بدست می آید که اصلی ترین معنای ایمان تصدیق کردن است و اتخاذ این معنی به عنوان معنای اصلی بیشتر مقرون به صواب است اما این کلمه در معانی مربوط به این هم به کار رفته که عبارتند از: آرامش خاطر، از بین رفتن ترس، اظهار خضوع و قبول شریعت باور یقینی و قطعی، تسلیم توام با اطمینان خاطر البته می توان گفت که آن معانی دیگر هم در راستای همین معنای اصلی هستند. همنشین های امن عبارتند از نزل، حق، کفر، علم، قول، ضلل.

۴- هدی

ردیف	مکی/مدنی	سوره	آیه	همنشین
۱	مدنی	بقره	۲	أَلَا كَذَّبْتُمُ الْمُتَّقِينَ
۲	مدنی	بقره	۱۶	الضَّلَالَةَ، أَشْتَرُوا
۳	مدنی	بقره	۳۸	يَا تِينَكُمْ، تَعِ، حَوْفًا، يَحْزَنُونَ
۴	مدنی	بقره	۷۰	قَالُوا، بَيْنَ، تَشْتَبِهَ، شَاءَ
۵	مدنی	بقره	۹۷	نَزَلَهُ، مُصَدِّقًا، بِشَرِي، لَلْمُؤْمِنِينَ
۶	مدنی	بقره	۱۲	تَتَّبِعْ، جَاءَكَ، أَلْعَلِّمَ، وَكَلِي، نَصِيرِ
۷	مدنی	بقره	۱۵	يَكْفُرُوا، أَنْزَلْنَا، أَلْبَيْنَاتٍ، أَلَا كَذَّبْتُمُ، يَلْعَنُهُمْ
۸	مدنی	بقره	۱۷	قِيلَ، اتَّبِعُوا، أَنْزَلْنَا، أَلْفِي، قُلُونَ
۹	مدنی	بقره	۲۵	تَرَاهُمْ، حَاجَّ، أَتَى، هُوَ، قَالَ، يَحْيَى، يَمِيتُ، كَفَرًا، الظَّالِمِينَ

	۸			
ءَامَنُوا، تُبَّطَّلُوا، بِنَفْقٍ، رَنَاءَ، أَصَابَهُ، بِقَدْرُونَ، آلَ كُفْرِينَ	۲۶ ۴	بقره	مدنی	۱۰
حَاجُّوكَ، قُلِّ، أَسَلَمَ، تَوَجَّهِي، أَتَّبِعْنَهُ، أَوْ تَوَأَّأَلْ كُتُبَ تَوَكُّوْا، بَصِيرَةٌ، بِأَلْعِبَادِ	۲۰	آل عمران	مدنی	۱۱
تَوَتَّئِبُونَ، تَبِعَ، قُلِّ، يُؤْتِي، يَحَاجُّوكُمْ، يَشَاءُ، عَلِيمٌ	۷۳	آل عمران	مدنی	۱۲
تَكَفُّرُونَ، تُتَلَّى، بَعِثْنَا، صِرَاطٌ، مُسْتَقِيمٌ	۱۰ ۱	آل عمران	مدنی	۱۳
يَشَاقِقُ، تَبَيَّنَ، يَتَّبِعُ، نُؤَلِّهِ، نُصَلِّهِ	۱۱ ۵	نساء	مدنی	۱۴
مُصَدِّقًا، آتَى، نُّورًا، مَوْعِظَةً، لِّلْمُتَّقِينَ	۴۶	مائده	مدنی	۱۵
جَعَلَ، ظَلَمْتَ، فَصَلِّ، نَاعِي، كُفْرًا	۹۷	انعام	مکی	۱۶
يُرَوِّا، يَكْلِمُهُمْ، اتَّخَذُوهُ، ظَلَمِينَ	۱۴ ۸	اعراف	مکی	۱۷

ریشه‌های دعاء و هدی، ۱۳ مرتبه در قرآن با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند. هدی هم به صورت فعلی و هم به صورت اسمی به کار رفته است. حضور واژه‌های قول، سمع، بصر، اجاب، افواه و اذن حاکی از یک ارتباط کلامی به جهت درخواست و دعوت است. در این بین، تعدد استعمال واژه‌های اسلام و تسلیم، اقام و استقام و صراط، سیبیل و هدایت و ضلالت از یک انتخاب مسیر که به خوشبختی و بدبختی منتهی می‌شود حکایت دارد. واژگان جعل و شاء بهمراه خطاب خداوند با صفت ربّ در کنار علم و فقه، نشان از اهمیت بسیار زیاد دعاء و هدی و استفاده از فهم است. هم‌نشین‌های هدی شامل تبع، علم، بین، آتی، امن، کفر هستند.

۵- جعل

در قرآن کریم ماده جعل ۳۴۶ بار در صیغه‌های مختلف به کار رفته است: ۶ بار به صورت اسم فاعل (جاعل)، ۲۳۵ بار به صورت فعل ماضی، ۸۳ بار به گونه فعل مضارع و ۲۲ بار هم به شکل فعل امر. از این موارد، آنچه به خداوند اسناد داده شده در محدوده این مقاله می‌گنجد.

دو ریشه جعل و دعاء در یازده آیه در کنار یکدیگر قرار دارند. تقدیم و تأخیر این دو ریشه در مواردی خاص حائز اهمیت است. زمانیکه بحث از دعوت الهی است، جعل الهی قبل از آن می‌آید و زمانیکه جعل به انسان ارتباط پیدا می‌کند، دعو متقدم می‌آید. خداوند نیز در این آیات هم به اسم الله و هم به صفت رب خوانده شده است.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِأَيِّتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسَىٰ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَىٰ آلِ هُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (سورة الكهف، ۵۷)

أَمِنْ يَجِيبُ آلِ الْمُضَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ آلِ أَرْضٍ أُولَئِكَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (سورة النمل، ۶۲)

هم نشینی مکرر قول با دو ریشه جعل و دعو حکایت از اشتراک معنایی در (خواستن) است.

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبِيَّ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاهُكُمْ أَلِيًّا تَنْظُرُونَ مَنْ هُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (سورة الأحزاب، ۴)

همنشین های تقابلی واژه دعاء

۱- شرک

ریشه های شرک و دعاء در قرآن، ۱۷ بار با یکدیگر همنشین شده اند. شرک یک رابطه تقابلی با واژه دعاء دارد و این از حضور ریشه شرک در جمله منفی مقابل جمله مثبت با حضور واژه دعاء است.

فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْآلِ فَلْيَدْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَىٰ هُمُ إِلَى الْآلِ بَرَّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (سوره العنكبوت، ۶۵)

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَىٰ هُوَ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَرْبِّعُونَ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (سوره الروم، ۳۳)

فراخواندن خداوند در این آیات به دو صورت اسم خاص (الله) و صفت (رب) صورت گرفته و وجود ریشه قول بهمراه اسم خاص الله به کرات در کنار ریشه های شرک و دعوا، نشان از یک ارتباط قوی و مهم دارد.

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوهُ إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (سوره يوسف، ۱۰۸)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (سوره الجن، ۲۰)

فراخواندن خداوند با صفات خالقیت و مالکیت زمین و آسمان در کنار دعوت به بینش (رای) و ریشه کفر نیز حاکی از احتجاج به خالقیت و مالکیت معبود، آن هم در زمین و آسمان که یعنی همه دنیاست و روی برگرداندن از این خالق و مالک در اجابت به کفر منجر می شود. (شرک در خالقیت و مالکیت)

قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ (سوره سپا، ۲۲)
ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُونَ
فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (سوره غافر، ۱۲)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (سوره القصص، ۶۴)

همنشین های شرک شامل قول، کفر، آتی، عبد، ظلم، سیح، نبأ، علو، هدی، شاء، حرم، وحد، تبع، زعم هستند.

۲- کفر

دو ریشه کفر و دعو در ده آیه با یکدیگر همراه اند. بدلیل تقابلی بودن این واژه و همچنین کفر که در مقابل عبد قرار دارد، می توان معنای مشترک عبد و دعاء را نتیجه گرفت. البته که حضور واژه ایمان، شرک، مخلص، آیات و علم در کنار کفر و دعو بر همین معنا صحه می گذارند. در این آیات خداوند با اسم اعظمش (الله) خوانده شده که معمولاً دال بر آیات توحیدی و دو راهی ایمان و کفر است.

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الَّذِينَ كَفَرُوا (سوره المؤمنون، ۱۱۷)

تکرار ریشه ضلل در این آیات پیش از کفر نشان از تقدم ضلالت بر کفران دارد. همنشین های کفر شامل امن، حی، شاء هستند.

۳- ضلل

ریشه ضلل در کنار دعو در دوازده آیه به دو صورت فعلی و اسمی آمده است. حضور واژه‌های قال، موعظه، جدال، داعی و دعوت در این آیات از یک ارتباط و گفت و گو حکایت دارد که با وجود تکرار واژه‌های رسول، مبین، کفر و ضرر می‌توان از اهمیت بسیار زیاد این ارتباط آگاه شد.

لَهُ دَعْوَةٌ أَلَّا يَدْعُونَ وَكَذَلِكَ يَدْعُونَ مَنْ دُونَهُ لَأَيُّ كَيْفٍ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكٰفِرِينَ (سورة الرعد، ۱۴)

يَدْعُوا مَنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَكُمْ بِأَعْيُنِنَا ذَكَرْتُمُ آلَ بَعْدَانَ خَتْلًا شَرِيحًا (سورة الحج، ۱۲)

در این آیات، خدا را با اسم خاص او (الله) خوانده که این خود بر عظمت این آیات و هدف آن می‌افزاید.

مَنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ يَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلِهِ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ أَلَّا يَكْفُرِينَ (سورة غافر، ۷۴)

واژه سبیل نیز در کنار دعاء و ضلل از راهی مهم که پذیرش دعوت آن به هدایت و ضلالت منتهی می‌شود خبر می‌دهد.

أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَأَلْمُوعِظَةَ الَّتِي حَسَنَتْ وَجَدَلْتُمْ بِالنِّسْبِ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ تَدِينُ (سورة النحل، ۱۲۵)

این ضلالت را انواعی است که به صورت ضلال مبین و ضلال بعید ذکر می‌شود.

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اَللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلَةُ اَلْ اَلْبَعِيْدُ (سوره الحج،

(۱۲)

و نیز تکرار ریشه جوب دال بر این موضوع است که عدم استجابت دعوی الهی برابر است با ضلالت و گمراهی

همنشین های ضلالت شامل سیبل، کفر، هدی، شاء، شری، افتری، تبع، بعید، مبین، رأی، کتاب، طوع، طغی، ظلم هستند.

۴- ضرر

ریشه های ضرر و دعو مرتبه در قرآن کریم با یکدیگر همراه شده اند. تقدیم و تأخیر این دو واژه به دو صورت تقدیم دعو بر ضرر که به جهت تویخ پرستش گران غیر خدا و تقدیم ضرر بر دعو به جهت شرح حال اکثریت مردم و جنس انسان در مواجهه با ضرر است.

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اَللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلَةُ اَلْ اَلْبَعِيْدُ (سوره الحج،

(۱۲)

اَمِنْ يَجِيْبُ اَلْمُضْطَّرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاۗءَ اَلْ اَرَضِۙ اَءَلَهُ مَعَ اَللّٰهِ قَلِيْلًا مَا تَذَكَّرُوْنَ (سوره النمل، ۶۲)

در این آیات، خداوند بیشتر با اسم خاص خود یعنی الله خوانده شده است. همراهی ریشه قول نیز حکایت از ارتباط کلامی است. حضور فعل مس در کنار واژه های انسان، کشف، نفع و ضلالت بر قطعیت رسیدن ضرر و نفع به تمام انسان ها، قطعیت برطرف شدن ضرر از انسان ها و مهم بودن اقدام متقابل در برابر دفع ضرر است که می تواند به ضلالت منتهی شود، دلالت دارد. همنشین های ضرر شامل قول، مس، ملک، نفع، امن، شاه، بأس، علم هستند.

همنشین های مکملی

۱- الله

در بررسی سیر تحول و تکامل واژه الله نکته قابل توجه آن که با ورود الله به نظام قرآنی تغییری ژرف هم در معنا و هم در موقعیت آن پدید آمد. در نظام معنایی جاهلی که معتقد به خدایان متعدد بودند، تعبیری که از معنا و مفهوم الله می شد بستگی به موضوع متن یا سخنی داشت که نویسنده یا گوینده بدان می پرداخت. لذا تصورات مختلف جاهلی به واژه الله لایه های معنایی متعددی بخشیده بود. اما در نظام معنایی قرآن، الله از آن حالت دو یا چند معنایی سابق خارج شد و تنها به معنای خدای یگانه و بی همتا محدود شد. به لحاظ موقعیت نیز الله از عضوی عادی بودن در نظام معنایی جاهلی به کانونی ترین کلمه در نظام جدید ترفیع پیدا کرد.

۲- رب

واژه «رب» از ریشه «ر ب ب» از جمله واژه های دخیل در قرآن است. این واژه در قرآن علاوه بر معنای وضعی و اولیه به معنای دیگری نیز به کار رفته است، همچنان که در کلام عرب نیز معانی دیگری علاوه بر مفهوم قرآنی دارد. واژه «رب» از ریشه «ر ب ب» از جمله واژه های دخیل است که احتمالاً از زبان آرامی و عبری وارد عربی شده است.

با توجه به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام درمی یابیم که واژه رب در معنای صاحب همچنان رایج بوده است. در نهج البلاغه چنین آمده است: عقول ربّات الحجال؟ عقل های صاحبان حجله ها و نیز در تفسیر مجمع البیان آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصی فرمود: «أربّ غنم ام ربّ الابل؟» «تو مالک گوسفند هستی یا شتر؟»

در حدیثی از پیامبر آمده است: «أَنَّهُ نَظَرَ فِي اللَّيْلَةِ آلتِي أُسْرَىٰ بِهٖ إِلَىٰ قَصْرِ مِثْلِ الرَّبَابَةِ الْبِيضَاءِ»

مشتقاقی چون «الرَّبِّي» به معنای گوسفند تازه متولد شده و نیز «الرَّبْرَبُّ» به معنای رمه گاوهای وحشی و نیز «الرَّبَّاب» به معنای آب بسیار، به دلیل این که با واژه رب به معنای پادشاه ارتباط معنایی ندارند، لذا بعید نیست که هر کدام، وضع جداگانه‌ای داشته باشند.

۳. رسول

کلمه (رسول) از ماده / رسالت/ است که در اصل معنایش (رهایی) است و این کلمه را مطلق در مورد فرستادن به کار می‌برند. زراره گوید: از امام باقر (ع) درباره (آیه ۵۴ سوره مریم) و (او) رسولی؛ پیامبر بود. پرسیدم فرمودند: پیغمبر کسی است که در خواب می‌بیند و آواز را می‌شنود و اما فرشته را به چشم در بیداری نبیند و رسول کسی است که آواز فرشته را بشنود و در خواب و بیداری فرشته را بیند.

بنابر این نبی کسی است که برای مردم آنچه مایه صلاح معاد و معاششان است یعنی اصول و فروع دین را بیان می‌دارد. البته این مقتضای عنایتی است که خدای تعالی نسبت به هدایت مردم به سوی سعادت دارد. و اما رسول کسی است که حامل رسالت خاصی باشد مشتمل بر اتمام حجتی که به دنبال مخالفت با آن عذاب و هلاکت و امثال آن باشد. آنچه از سخنان علامه طباطبایی (ره) بدست می‌آید می‌توان به قرار ذیل می‌باشد

- ۱- هر مبعوثی که رسول به سوی مردم است نبی نیز است.
- ۲- بعضی از مبعوثین فقط نبی می‌باشند که آنچه مایه صلاح معاد و معاش مردم است برای آنان می‌آورند

۳- رسولان حامل رسالتی هستند که مشتمل بر اتمام حجت است.

۴- انسان

انسان در ارتباط با خدا، از یک طرف عظمت معبود و از طرف دیگر پستی، ذلت و فقر خود را می‌یابد، بنابراین دلش در برابر خدا نرم شده، احساس فروتنی و کوچکی می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت آن مؤلفه معنایی که واژه تضرع را از سایر واژه‌های میدان معنایی دعاء متمایز می‌کند «نرمی و ملایمت» است.

در آیه‌ای که مشکلات و سختی‌ها را عاملی برای نرم شدن دل انسان و روی آوردن به خدا معرفی می‌کند، تضرع، جانشین دعاء شده است: وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْأَبْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ (اعراف / ۹۴). در آیه‌ای دیگر، تضرع به عنوان جانشین دعاء، با استکانت که به معنای خضوع می‌باشد، هم‌نشین شده است: وَلَقَدْ أَخَذْنَا لَهُم بَأْلَ عَذَابٍ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (مؤمنون / ۷۶). بنابراین می‌توان گفت که تضرع از لوازم دعاء به شمار می‌آید؛ زیرا تا انسان به حالت نرم‌دلی نرسد، طالب و داعی حقیقی نخواهد بود. آیه‌ای دیگر اشاره می‌کند که کفار به خاطر قساوت قلب، نمی‌توانند از این فرصت استفاده کنند و در نتیجه به درگاه خدا تضرع ندارند: فَلَوْ لَّا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام / ۴۳).

به هر حال، آنچه از آیات قرآن بر می‌آید این است که خدا دعاء را مستجاب می‌کند؛ چه به زبان حال باشد و چه به زبان قال: وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي ۖ أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَٰخِرِينَ (غافر / ۶۰)؛ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره/ ۱۸۶) و دلیل عدم استجابت برخی از دعاءها در اینجا آشکار می‌شود. نکته دیگر آنکه استجابت، هم مربوط به خدا و هم مربوط به مخلوقات است و هر دعایی استجابت مخصوص به خود را دارد.

معناشناسی دعاء با رابطه جانشینی

واژگان جانشین دعاء که از پرتکرارترین هم‌نشین های واژگان هم‌نشین دعاء به دست آمده‌اند، بدین شرح می‌باشند: قول، امن، تبع، هدی، علم، آتی، کفر، شاء. با توجه به اینکه واژه‌های امن، هدی، آتی و کفر در بررسی و تحلیل شد، تنها واژه‌های قول، تبع، علم و شاء بررسی و تحلیل می‌شوند.

۱- قول

دو واژه قول و دعو ۲۸ بار در قرآن کریم با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند. اشتراک معنایی خواندن در این دو ریشه وجود دارد. در این آیات، خداوند با اسم خاص خود (الله) و صفت رب خوانده شده است. بدلیل قرابت معنایی قول و دعو، واژه‌های هم‌نشین قول نیز مانند دعو است. «قول» کلام با ترتیب است و منظور هر کلامی است که زبان بدان گویا شود. جمع «قول»، «اقوال» و «اقاویل» جمع الجمع آن می‌باشد. «تقول» نیز به معنای بدعت دروغین است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۷۳). «قول» در معنای حکم نیز به کار می‌رود و نیز از راه مجاز و اتساع معنا در بسیاری از افعال دیگر استعمال می‌شود. به عنوان مثال هنگام اشاره گفته می‌شود: «قال برأسه» و هنگام راه رفتن: «قال برجله» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۵۶). آثار «قول» در قرآن، گستره وسیعی از «اقوال» در قرآن کریم اختصاص به اعتقادات دارد. علاوه بر آن خداوند متعال به بیان گفتارهای پسندیده و ناپسند گروه‌های مختلف مردم پرداخته و با بیان آثار مترتب بر هر یک از این گفتارها، آن‌ها را ارزش

گذاری می‌نماید. این سخنان علاوه بر گفتارهای روزمره آدمیان، برخوردهای آنان با مسائل مختلف اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد

۲- علم

علم در تقابل با واژه‌هایی از قبیل «ظن، غفله، عمه، هوی، ضال و سفهاء» به کار رفته است. در برخی از آیات «ظن» به معنای احتمال و تصور قوی در مقابل علم به کار رفته است (قرشی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). این معنا از ظن را می‌توان در آیات ۴۶ بقره، ۲۶۹ بقره و ۲۸ قیامت مشاهده کرد (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸). ظن و گمان در صورتی که به یقین تبدیل شود، به علم منتهی خواهد (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). این معنا از علم را می‌توان در آیه ۲۸ نجم نیز دریافت که صاحبان ظن را کسانی دانسته که یقین و اطمینان ندارند (قرشی، ۱۳۹۱، ص ۸۰). واژه دیگری که در تقابل با علم آمده «ضال» است. ضال به معنای گمراهی و منحرف شدن از حق آمده است (قرشی، ۱۳۹۱، ص ۴۳). واژه «ضل» از مصدر ضلالت» به معنای از راه راست و صراط مستقیم دور شدن است (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

با توجه به واژه‌هایی که در تقابل علم قرار گرفته‌اند، می‌توان گفت، علم در قرآن دایره معنایی وسیعی دارد که در یک طرف آن صاحبان و دارندگان علم قرار دارند که با درک و شناخت درست به یقین و اطمینان قلبی دست می‌یابند و با هدایت و روشنگری در مسیر حقیقت قرار می‌گیرند. در طرف دیگر نیز افرادی هستند که معرفت و شناختی به حقیقت ندارند و با ظن و تردید و جهالت، گرفتار سرگردانی و گمراهی می‌شوند. در دایره واژگانی قرآن در مقابل علم، واژه‌هایی قرار گرفته‌اند که نه تنها انسان را در مسیر شناخت یاری نمی‌کنند، بلکه مانع جدی آگاهی و شناخت انسان می‌شوند. آن‌ها عبارت بودند از ظن، غفلت، سفه و عمه که انسان را در دنیا، جهان مادی و وجود جسمانی محصور می‌کنند

و امکان غور و اندیشه در ابعاد معرفتی را از او می‌گیرند. هر انسانی به درجه کوشش و تلاشی که برای درک حقیقت انجام می‌دهد، می‌تواند در این دو مسیر گام بردارد. یا با کوشش و استفاده صحیح از ادراک خود به سوی نور و آگاهی حرکت کند، یا با سطحی‌نگری و توقف در ظواهر دنیا از دستیابی به حقیقت بازماند.

۳- تبع

واژه تبعیت در قرآن کریم ۱۷۴ بار به شکل‌های مختلف به کار رفته که برخی از آن‌ها از نوع ممدوح و بعضی دیگر از نوع مذموم است. شناسایی تبعیت ممدوح از دیدگاه قرآن از قرائنی همچون امر به آن و توصیفات و پیامدهای مثبت آن حاصل می‌شود. مذموم بودن تبعیت را نیز از قرائنی مانند نهی از آن و توصیفات و پیامدهای منفی آن می‌توان دریافت. قرآن کریم در آیات بسیاری لزوم تبعیت از رسولان الهی را بیان نموده و انسان‌ها را به تبعیت از آنان امر فرموده است؛ از جمله: "پس ایمان آورید به خدا و رسولش که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او تبعیت نمایید، امید است هدایت شوید." (اعراف: ۱۵۸)

در برخی دیگر از آیات، این موضوع را با نوعی تمجید و ستایش از تبعیت‌کنندگان از رسولان خدا و یا ملاطفت و مهربانی با آنان نشان داده است؛ چنان‌که یک جا در مقام دلجویی و تسکین قلب پیامبر در مقابل آزار و اذیت و نیز عصیان و سرکشی دشمنان، به آن حضرت خطاب شده است: "ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو تبعیت می‌کنند، برای تو کافی می‌باشند (انفال: ۶۴) در این آیه، عبارت "مؤمنانی که از تو تبعیت می‌کنند" به کلمه "خدا" عطف شده است؛ یعنی مؤمنان تبعیت‌کننده از تو برای تو کفایت می‌کنند. (سید

عبدالله شبر، ۱۴۰۷، ص ۶۳)

۴- شاء

شیء در معنای دقیق آن، یک موضوع، یک رابطه و یا یک عمل و حکم است. از این رو همه اتفاق‌هایی که در جهان رخ می‌دهد، اعم از وجود یک موضوع در جهان خارج (انسان، زمین و آسمان، درخت)، روابطی میان پدیده‌ها (دوستی، ازدواج و طلاق، ایمان و کفر) شکل می‌گیرد و اعمال و کارهایی نماز خواندن، روزه گرفتن، جهاد کردن، هدایت کردن و گمراه شدن) که انجام می‌شود و دستورات و احکامی که اجرا و انجام یا عدم جواز و اجرای اموری را در اولویت قرار می‌دهد و خط مشی و استراتژیهای معینی را ترسیم می‌کند، در دایره معنایی شیء و مشیت قرار می‌گیرد. شیء یک نوع آشکارشدگی و بروز و ظهور را در معنای خود دارد. شیء هر چیزی که میل به بروز دارد و تمایل به وجود پیدا کردن و آشکار شدن در آن موج می‌زند. التحقیق ذیل ماده شیء آورده است که: «ان الأصل فی هذه المادة: هو تمایل یصل إلى حد الطلب در توضیح می‌گوید که شیء در اصل مصدر است و بر هر چیزی که طلبیده می‌شود قابل اطلاع است.

مشیت الهی تمام جوانب عزت و ذلت، صلاح و فساد، رشد و تباهی اشیاء را در نظر می‌گیرد، اما اراده الهی در ناحیه خیر متمرکز است. هر چند همه چیز علاوه بر جانب خیر جنبه تباهی و نابودی دارد، اراده الهی به آن تعلق نمی‌گیرد. مشیت الهی، مسیر شدن را برای اشیاء فراهم کرده است و این امکان طبیعی را به وجود آورده است که در این مسیر، اگر اراده‌ای و اختیاری وارد شود، آن چیز بروز و ظهور پیدا می‌کند و این چنین در جاده‌ای که مشیت آن را آماده کرده است و اذن ورود و عبور از آن داده شده است. دستور کاری پیدا می‌کند و به نتیجه‌ای که مورد نظر است نائل می‌گردد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش عبارتند از:

هم‌نشین‌های اشتدادی واژه دعاء و مشتقاتش در قرآن عبارتند از: آتی، سمع، جوب، امن، هدی، جعل، سلم و قوم.

هم‌نشین‌های تقابلی آن عبارتند از: شرک، کفر، ضلل و ضرر.

هم‌نشین‌های مکملی آن عبارتند از: الله، رب، رسول و انسان.

با بررسی هم‌نشین‌های واژگان هم‌نشین دعاء، جانشین‌های مقابل برای آن به دست آمد: قول، علم، تبع، امن، هدی، کفر، آتی و شاء.

از بررسی هم‌نشین‌های واژگان جانشین واژه دعاء مؤلفه‌های معنایی زیر برای واژه دعاء حاصل شد: قول، امن، علم، هدایت، اتیان، کفر، فضل، سمع، نزول، تبعیت، صدق و قوم.

تصریح معنویت، علو و تعالی معنوی (سوره حشر: ۶)، عزّت (سوره فاطر: ۱۱)، درجات

(سوره یوسف: ۷۶)، رفعت (سوره مجادله: ۱۱)، صعود (سوره فاطر: ۱۱)، عروج

(سوره نجم: ۹-۸)، فالج (سوره مجادله: ۲۲)، حیات طیبه (سوره نحل: ۹۷) و قرب الا الله

(سوره مریم: ۵۲) از مفاهیم معادل قدرت نرم در قرآن کریم می‌باشند که با بررسی

واژگان موجود در این آیات دقیقاً به مؤلفه‌های معنایی واژه دعا برمی‌خوریم؛ بنابراین لذا

دعا از جنس سخن است؛ اما نه هر سخنی بلکه از جنس (قول) که اختصاص به اعتقادات

دارد و فریاد زدن اعتقادات است در مقابل سکوت در برابر حق. دعا نه تنها از جنس جهل

بلکه از جنس ظن و شک هم نیست. جنس دعا، علم و یقین است. در دعا تبعیت مطرح

است یعنی در فضای هدایتگری است در تقابل با تبعیت شیطان. دعا در مشیت الهی مطرح

می‌شود یعنی خواست عبد و اراده معبود.

در نتیجه، از قرار دادن نتایج معناشناسی واژه دعا در قرآن کریم در کنار مفاهیم معادل

قدرت نرم در قرآن کریم و روایات و تعاریف مختلف قدرت نرم در کتب مختلف

می‌توان نتیجه گرفت که دعا در حقیقت یک ابزار قدرتمند جنگ نرم می‌باشد که در تاریخ اسلام بارها مورد استفاده قرار می‌گرفته است که نمونه بارز آن صحیفه سجادیه در دوران خفقان شیعه است.

منابع

- (۱) قرآن
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
- (۳) ادبی، محمد جواد (۱۳۹۱). درآمدی بر شیطان پرستی، مشهد مقدس: قدس رضوی.
- (۴) اصفهانی، سیدابوالحسن (۱۳۹۱). وسیله النجاة، مع حواشی الگلپایگانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- (۵) بهشتی، سعید (۱۳۹۰). نقش دعاء در تربیت انسان از دیدگاه قرآن و کلام معصومین، مسعود قریب، دوفصلنامه عقل و دین، شماره ۱، صفحه ۲۹-۵۹
- (۶) بی‌پرویش، مانفرد (۱۳۷۴). زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، ج چهارم، تهران: آگاه
- (۷) جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹
- (۸) حسینی، صدیقه؛ (۱۳۹۲). اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه ای (رسانه ملی و الگوها)، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- (۹) رفیعی، علی و عبدالهی، حسن (۱۳۹۳). «معناشناسی واژه جهل در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات قرآنی، ۵(۲۰). ۱۲۹-۱۴۹.
- (۱۰) رنجبر، مقصود (۱۳۸۴). «مفهوم امنیت در اندیشه سده های میانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.
- (۱۱) ره‌پیک، سیامک (۱۳۷۸). تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص‌ها و ابعاد، چاپ اول، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- (۱۲) سالارزایی، امیر حمزه (۱۳۹۱). «بررسی دعاء از منظر کلام خدا»، پژوهشنامه معارف قرآنی، مقاله ۵، دوره ۳، شماره ۱۰، پاییز، صفحه ۷۹-۹۶.
- (۱۳) سید عبدالله شبر (۱۴۰۷ ق). الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، الفین، ج ۳.
- (۱۴) شعیری، حمید رضا (۱۳۸۸). مبانی معنا شناسی نوین، تهران: انتشارات سمت.
- (۱۵) صفوی، کورش (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- (۱۶) طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- (۱۷) عرفان، امیر محسن (۱۳۹۶). رسانه و آموزه مهدویت، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج).
- (۱۸) علی بن الحسین (۱۳۷۶). الصحیفة السجادیة، قم، دفتر نشر الهادی.

- ۱۹) قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۹۱). تهران: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۰) قرشی، سید علی اکبر (۱۳۹۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة
- ۲۲) محسن پور، ریحانه (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر دعاء و نیایش در زندگی انسان از نظر آیات و روایات»، مجله قرآنی کوثر، شماره ۶۱، از ۱۲۵ تا ۱۴۱.
- ۲۳) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام). تهران دارالکتب الاسلامیه
- ۲۴) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۸). مثال های زیبایی قرآن: (امثال القرآن). قم: نسل جوان.
- ۲۵) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۸۴). وهابیت بر سر دو راهی. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۶) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۹۰). انوار هدایت: مجموعه مباحث اخلاقی مکارم شیرازی. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۷) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). پیدایش مذاهب. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۲۸) منظمی تبار، جواد (۱۳۹۸). «واکاوی مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های راهبردی نظام توسعه علمی و دانش کشور از دیدگاه مقام معظم رهبری (دامت برکاته)»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ۵، شماره ۳، صص ۸۹-۱۱۴.
- ۲۹) مهری، محمد جواد (۱۳۸۹). گفتگو افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم، قم: مشرقین.
- 30) Nye, Soft power, Newyork: public affairs 2004